



دارآمد:

تأثیرات معنوی آیت‌الله جمعی در تمام اقربا و آشنایان ایشان به شکلی بارز نمود دارد، تأثیری عمیق و تعیین‌کننده و همراه با عطف و مهریابی. ایشان به عنوان انسانی نمونه و الگو، پیوسته نگران سرنوشت جوانان بوده است و لذا با سیره عملی خویش، صراط مستقیم را پیش روی آنان گشوده است. در این گفت و گو به بیان گوشه‌هایی از سلوک معنوی ایشان از زبان برادر زاده‌شان پرداخته ایم.

« جلوه‌هایی از سلوک اجتماعی حجت الاسلام جمعی » در گفت و شنود

شاهد یاران با مصطفی جمعی

دائماً در حال محاسبه نفس است...

قوی داشتند و تقریباً چیزی از ذهنشان نمی‌رفت. سالم زندگی کردند.

سالم یعنی چه؟

یعنی بر اساس اصول و اعتقاد حرکت کردن. یعنی هر لحظه به رنگی درنیامدن و طبق شرایط تغییر عقیده ندادن. زندگی ایشان کاملاً نشان می‌دهد که ایشان کوچک‌ترین وابستگی‌ای به هیچ‌یک از تعلقات دنیا ندارند. یاد هست که هنوز مسجد امیرالمؤمنین که ایشان در آن نماز می‌خواندند تکمیل هم نشده بود و دیوار هم نداشت. در آن هوای گرم بلند می‌شدند و می‌رفتند و در آنجا اقامه نماز می‌کردند و مردم هم همیشه حضور داشتند و هیچ عاملی جلوی تجمع آنها را نمی‌گرفت.

افرادی که پیرامون ایشان گرد می‌آمدند، از چه طیف‌هایی بودند؟

افراد بی‌غل و غش. آدم‌هایی که اهل ریا یا دنیا طلبی بودند، خود به خود پراکنده می‌شدند. نه آنها می‌توانستند این همه صداقت و بی‌ریایی را در ایشان تحمل کنند و نه ایشان می‌توانستند آنها را تحمل کنند.

آیا به دلیل انتساب به ایشان، مردم برای حل مشکلاتشان به شما مراجعه می‌کنند؟

آنهاهایی که ایشان را می‌شناسند و از خلق و خوی شان آگاهند، خیلی خوب می‌دانند که توصیه من یا هر کس دیگری، در این قضیه تأثیری ندارد و نیازی هم به توصیه کسی نیست. آنهاهایی هم که نمی‌شناسند ناچارم برایشان توضیح بدهم. این اتفاق خیلی زیاد پیش آمده و من حتی یک بار هم سعی نکرده‌ام این موضوع را امتحان کنم.

آیا مشغله‌های فراوان ایشان سبب نمی‌شد که از وضعیت نوجوانان و جوان‌هایی مثل شما غافل بمانند؟
 آری. یاد می‌آید که یک بار داشتم ریاضت‌خیزان را می‌خواندم و ایشان گفتند بهتر است اول اشعار حافظ و سعدی را بخوانی و بعدها به سراغ خیام بروی. ایشان به مطالعه ادبیات و به خصوص شعر علاقه زیادی دارند. دیوان همه شعرها در کتابخانه ایشان هست.

هستند و هرگز در عمرم ندیده‌ام که ایشان عصبانی شوند. از کسی هم نشنیده‌ام که عصبانیت ایشان را دیده باشد؟
 ایداً. علتش هم اعتقاد و ایمان و توکل قوی ایشان است، یعنی به جایی رسیده و چیزهایی را درک کرده‌اند که هیچ چیزی ادیتشان نمی‌کند. فقط پایبندی به یک سری اصول و میانی است که چنین قدرتی را در انسان ایجاد می‌کند. با ظاهرسازی و تلقین هم نمی‌شود. باید در ذات و وجود انسان ملکه شود. سراسر زندگی ایشان مراقبه و تذکر به خود است. در عین حال که سرشار از آرامش و طمأنینه هستند، دائماً هم در حال حساب کشیدن از خودشانند و در این محاسبه ذره‌ای با خودشان تعارف نمی‌کنند.

برادرزاده ایشان بودن یعنی چه؟

ایشان تکیه‌گاه همه هستند. آرامش ایشان به همه قوت قلب می‌دهد. تا وقتی که ضعیف و بیمار نبودند، احوال همه را می‌پرسیدند، کارهای همه را پیگیری می‌کردند، اگر حق کسی ضایع می‌شد، دنبال کارش را می‌گرفتند. حافظه بسیار

از خاطرات شیرینی که با عموی بزرگوارتان، حجت الاسلام جمعی دارید، بر ایما بگویند.

زمانی که عمو سرحال بودند و فعالیت می‌کردند، در آبادان بودند و ما شیراز بودیم و درست نمی‌توانستیم از محضر ایشان استفاده کنیم. در دوره دبیرستان و نزدیکی‌های دیپلم بود که ایشان سرحال بودند و ما خدمتشان می‌رفتیم. الان پنج شش سالی است که افتاده شده‌اند و یکی دو ساعت بیشتر نمی‌توانند در دفترشان بنشینند. هر وقت پیش ایشان می‌رفتیم عادت داشتند که عیدی به ما سکه می‌دادند.

ویژگی‌های بارز ایشان چیست؟

از نکاتی که در شخصیت ایشان برای من بسیار جالب است، یکی این است که همیشه در دفترشان به روی مردم باز بود و همه بدون تشریفات و مانعی می‌توانستند پیش ایشان بروند. یاد هست که یک پیرزنی که خیلی هم شاکمی بود، مستقیم رفت پیش آقا و هر چقدر هم دلش خواست حرف زد و آقا با دقت گوش کردند و آخر سر هم به او کمک کردند، طوری که او حسابی شرمند شد. نکته دیگری که در ایشان خیلی برجسته است، این است که از کسی بد نمی‌گویند، حتی از مخالفین خودشان. البته منظورم این نیست که با همه موافقت می‌کردند یا کار هر کسی را راه می‌انداختند، بلکه می‌خواهم بر این نکته تکیه کنم که ایشان همیشه به دنبال حق و حقیقت بودند. اگر مخالفان ایشان قصد ضربه زدن به نظام را نداشتند، ایشان هم کاری به کارشان نداشتند، ولی اگر کسی از اصول تخطی می‌کرد و یا می‌خواست حقوق مردم را پایمال کند، ایشان ایداً کوتاه نمی‌آمدند و محکم می‌ایستادند، اما اصولاً روش ایشان در مواجهه با مردم، اعم از آشنایان و اقوام و مردم دیگر توأم با مهریابی، صبر و حوصله زیاد بود. از ویژگی‌های دیگر ایشان شجاعت و بی‌باکی است. مواردی پیش آمده که همه متفق القول، موضوعی یا فردی را طرد کرده‌اند و حاج آقا چون اطمینان داشته‌اند که اشتباه می‌کنند، یکنه ایستاده و از او دفاع کرده‌اند. مواردش عدیده است که شاید جان‌داشته باشد نام ببرم، ولی ایشان در دفاع از حق و حقیقت با احدالتاسی تعارف ندارند. انسان بسیار آرامی



زندگی ایشان کاملاً نشان می‌دهد که ایشان کوچک‌ترین وابستگی‌ای به هیچ‌یک از تعلقات دنیا ندارند. یاد هست که هنوز مسجد امیرالمؤمنین که ایشان در آن نماز می‌خواندند تکمیل هم نشده بود و دیوار هم نداشت. در آن هوای گرم بلند می‌شدند و می‌رفتند و در آنجا اقامه نماز می‌کردند و مردم هم همیشه حضور داشتند و هیچ عاملی جلوی تجمع آنها را نمی‌گرفت.